پنج شنبه ۷ دی ۱۳۹۶ . شماره ۳۷۴۸ | روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان رضوی | Thu.Dec.28.2017. No.3748
خراسان رضوی

گفت‌وگوی خراسان رضوی با شاهد عینی شهادت غواصان دست بسته در عملیات کربلای ۴

یکصد و هفتاد و ششمین غواص

عکس: نسیم دهقانی

نسیم سهیلی- سی سال است صحنه زنده به گور شدن غواصان دست بسته، خواب راحت را از چشمانش ربوده. هنوز صدای «ا...اکبر» آن ها در گوشش است. هنوز کابوس شبانه او ناله هایی است که از عمق زمین به آسمان راه می جوید. تنها ۱۸ سال داشت که مقابل چشمانش تک تک آن ها را وارد قتلگاه کردند. گرد و خاک امان نمی داد، چشم ریز کرد تا بهتر ببیند. بولدوزر ها و لودر ها می آمدند و گودال مرگ لبالب پر می شد از خاک و خون. هر سال سالگرد عملیات کربلای ۴ که نزدیک می شود، قلبش نمی تواند آرام گیرد و دردی که سال ها چون توموری بدخیم تن و روحش را فلج کرده، او را وادار می کند راهی بجویدتا بار امانت خالی کند. «محمدرضا یزدیان» از غواصان خراسانی عملیات کربلای ۴ است؛ رزمنده ای که به گفته خودش تنها شاهد عینی فاجعه زنده به گور کردن غواصان است. همان غواصانی که دو سال قبل پیکر مطهرشان با دست هایی که بسته بود، تفحص شد و جای جای ایران اسلامی را عطر آگین کرد. او به خواست خدا به عنوان شاهد عینی ماجرای دردناک زنده به گور کردن غواصان، زنده ماند تا داستان جنایت رژیم بعثی را در حافظه خود نگاه دارد و به ما منتقل کند. اگر چه بلافاصله پس از رهایی از قتلگاه عراقی ها به شکنجه گاه روانه شد و چهار سال در اسارت بود. پس از آزادی، بسیار تلاش کرد تا ناگفته های خود را به گوشمان برساند. اما پیگیری هایش کارساز نشد و آن چه می گفت، برای کسی قابل باور نبود. ناگزیر دست به قلم برد و شرح کامل ماجرا را در کتاب خود نوشت. اما باز هم گوش شنوا و چشم بینایی نبود تا او را در تحمل بار سنگینی که سال ها بر دوشش مانده، یاری کند. دو سال پیش که پیکر پاک شهدای غواص وارد کشور مان شد، او مجدد به سازمان های مربوط مراجعه کرد و گفت به این ۱۷۵ نفر بسنده نکنید... غواصان زیادی در اقیانوس خاکی بعثی ها غرق شده و به شهادت رسیده اند، نشانی شان را از من بپرسید، اما... اگر چه هیچ کس اطلاعات دقیقی از تعداد غواصانی که در این عملیات به شهادت رسیدند، ندارد اما به یاد همه این شهیدان به ویژه ۱۷۵ غواص شهید دست بسته، محمدرضا یزدیان را یکصد و هفتاد و ششمین غواص کربلای ۴ می نامیم....

شرح نحوه شهادت غواصان ایرانی، از زبان خود راوی خواندنی تر است. متنی که دوازده سال پیش در کتاب بازماندگان نیمه جان به چاپ رسیده اما از چشم ها دور مانده است: «هر گز صحنه های رعب آور و وحشتناک آن روز را فراموش نمی کنم؛ گرد و خاک زیادی به هوا برخاسته بود و از هر طرف صدای فریاد و شیون، «ا... اکبر»، «یا زهرا» و «یا حسین» به گوش می رسید، اما آن وحشی های تنومند و خشن عراقی، با شقاوت و بی رحمی هر چه تمام تر با ابزار دستشان به هر کجای بچه ها که ممکن بود، ضربه می زدند؛ دست، پا، صورت، چشم و... و این در حالی بود که بین بچه ها، افراد تیر و ترکش خورده و دست و پا شکسته، فراوان دیده می شد. از همه بی رحمانه تر صحنه ای بود که یکی از کماندوهای عراقی مشغول ضرب و شتم اسیری بود که شکمش پاره شده بود و روده هایش بیرون ریخته بود. آن کماندوی بی رحم، با شقاوت هر چه تمام تر، جفت پا روی آن بر ادر اسیر مان پرید و شکمش را با آن دل و روده بیرون آمده لگد مال نمود. فقط خدا می داند چند تا از بچه ها در همین منطقه و در اثر ضرب و شتم های این وحشی ها به شهادت رسیدند یا دست و پایشان شکسته شد. با چشمان خونبار، این صحنه ها را مشاهده می کردم و علی رغم این که از ترس مثل بید می لرزیدم، دلم لک می زد که کاش من هم در بین آن ها بودم و در کتک خوردن هایشان با آن ها شریک بودم. زیر ادر دو رنج روحی و روانی ای که از مشاهده این بی رحمی ها نصیبم شد، به مراتب شدیدتر از تنبیهات بدنی آن ها بود. ای کاش از خدا چیز بهتری خواسته بودم! ناگهان یکی از کماندوها که از کتک زدن بچه ها فارغ شده و از کاسه بیرون می آمد، متوجه من شد و به سویم آمد. به محض این که به من رسید، موهایم را گرفت، مرا از زمین بلند کرد و محکم با صورت به دیوار کوبید. خون از سر و رویم جاری شد. سپس، دست و پایم را گرفت، از زمین بلند کرد، بالای سرش بر دو از همان بالا محکم بر زمین کوبید. آن چنان با شدت مرا به زمین زد که یک آن احساس کردم مغزم در دهانم ریخته شد و از هوش رفتم. زمانی که به هوش آمدم متوجه شدم به همراه تعداد دیگری از اسرای زخمی و نیمه جان، سوار ماشینی شبیه کمپرسی هستیم و در یک جاده خاکی به سمت مقصد نامعلومی در حرکتیم. کمپرسی تکان های شدیدی داشت. مرتب به این طرف و آن طرف ماشین پرت می شدیم. چون بی حال و بی رمق بودیم، قادر نبودیم خودمان را حفظ کنیم. ساعتی گذشت و ما هنوز در راه بودیم. بالاخره سرعت ماشین، کمتر و کمتر شد. صداهای مبهمی مانند بولدوزر، گریدر یا تانک به گوش می رسید؛ احساس کردم دوباره ما را به منطقه جنگی آورده اند. بالاخره ماشین بی قواره و در به دا غان ماتوقف کرد و پس از کمی عقب و جلو رفتن، ایستاد. چون کاملاً بی رمق بودم، حتی نمی توانستم کوچک ترین حرکتی بکنم؛ خون زیادی از من رفته بود. فقط کمی سرم را تکان دادم و خون های لخته شده روی صورتم را با آستین پیراهنم پاک کردم. دو درجه دار عراقی بالا آمدند و در کمپرسی یا ماشین را که به علت نیمه بیهوش بودن، بالاخره نتوانستم بفهمم دقیقاً چه نوع ماشینی بود، باز کردند. آن ها دست و پای بچه ها را یکی یکی می گرفتند و از همان بالا به پایین پرت می کردند و روی هم می ریختند. مرا هم گرفتند و پرت کردند روی آن ها. صدای آه و ناله های ضعیف بچه ها را به سختی می شنیدم. لودر ها و بولدوزر ها همان اطراف مشغول کار بودند و ظاهراً خاکریز می ساختند، شاید هم گودال حفر می کردند. نفهمیدم دقیقاً آن جا چه خبر است. به خودم که آمدم، دیدم در جه دار های عراقی اسرا را کشان کشان به سوی گودال ها می برند و داخل گودال پرت می کنند. دوباره بر می گردند و نفرات بعدی را روی آن ها می اندازند. آن دو درجه دار عراقی نزدمن آمدند، دست هایم را گرفتند و کشان کشان به سمت چاله ها بردند؛ تقریباً سه چهار متر مانده به چاله، صدایی به گوشم رسید که مرتب مرا صدا می زد: «محمد! محمد!» سرم را کمی بالا گرفتم. افسری که بلد بود فارسی حرف بزند و قبلا او را دیده بودم، صدایم می کرد. سرم را آهسته تکان دادم و لبخند تلخی زدم. جلوتر آمد و به زبان عربی چیزهایی به آن دو درجه دار گفت. آن ها هم مرا همان جا روی زمین رها کردند و رفتند سراغ بقیه اسرا. گرد و خاک خیلی زیادی به هوا بلند شده بود. خاک توی چشم هایم رفته بود و نمی توانستم به راحتی جایی را ببینم. ناگهان متوجه شدم لودر ها بیل هایشان را پر از خاک کرده و روی اسرای درون چاله می ریزند. ناله های اسرا بلندتر شده بود، اما لودر ها بی توجه به ناله و شیون اسرا مرتب روی آن ها خاک می ریختند. شروع کردم به فریاد زدن. هر چه «ا... اکبر» می گفتم کسی توجهی نمی کرد. انگار کسی صدایم را نمی شنید و فقط خودم صدای خودم را می شنیدم. هر چه تلاش کردم به صورت سینه خیز خودم را به چاله ها برسانم، نتوانستم. مشاهده این همه شقاوت و جنایت، امانم را بریده بود اما انگار همه چیز بر ایم حالت وهم و خیال را داشت. تمام رقم گرفته شده بود. دیگر چیزی نمی دیدم، دوباره از هوش رفتم و هیچ نفهمیدم....

به هوش که آمدم هوا تاریک بود. من را سوار ماشین آیفا کرده بودند و به مقصد نامعلوم می بردند. می توانستم چراغ های روشن زیادی را ببینم. حدس زدم به شهر بصره نزدیک می شویم. روز هولناکی را پشت سر گذاشته بودم....

می گفتند سیاه نمایی کرده ام!

این غواص بازمانده لب به گلایه می گشاید و می گوید: «پس از آزادی، اطلاعاتم را به صورت مکتوب و شفاهی به ستاد آزادگان و بنیاد شهید ارائه دادم و پس از بی توجهی هایی که دیدم، کتاب «بازماندگان نیمه جان» را نوشتم. با این که در آن کتاب کاملا به واقعه اشاره کرده بودم اما باز هم کسی به آن توجهی نکرد. حتی درباره کتابم نقدی نوشتند و گفتند سیاه نمایی کرده ام! شما ببینید من چه دردورنجی را این سال ها تحمل کرده ام! اگر این شهدا در سال ۹۴ پیدا نمی شدند، هیچ کس از سرنوشت آن ها اطلاعی پیدا نمی کرد. جفایی را که طی سال ها بر خانواده این شهدا رفت، چه کسی می تواند پاسخگو باشد؟

فهرست سیاه مرگ

اگر چه بغض سنگینی در گلودار دا ما اندکی تامل می کند تا بتواند بر احساساتش پا بگذارد و ادامه ماجرا را روایت کند. می گوید: «در طول چهار سال اسارتم، نام من همیشه در فهرست سیاهی بود که بعثی ها قسم خورده بودند آن ها را به شهادت برسانند و من سال ها دنبال چرایی اش بودم. آن ها نتوانستند پیدایم کنند چون اسمم را عوض کرده بودم و همه من را با اسم مستعار «محمد ویتامین» می شناختند که آن هم به دلیل دعوایم بر سر گرفتن قرص ویتامین از عراقی ها بود. امروز می فهمم آن ها می خواستند تنها بازمانده و شاهد این ماجرا از بین ببرند....

شش ماه سیاه

وی می گوید: آن جا مسئول آشپزخانه اردوگاه ۱۱ بودم. عراقی ها دستور داشتند ما را شش ماه تمام شکنجه کنند، انواع شکنجه های جسمی و روحی، در این مدت روز را برایمان مانند شب سیاه کرده بود. یکی از شکنجه ها این بود که سیم های خار دار را با دست باز می کردیم تا آن ها از آن لوستر بسازند! زمین را می کندیم، خاک را الک می کردیم و دوباره می گفتند خاک را برگردانید سر جایش! در اتاقی کوچک زندانی مان کرده بودند که جا نبود هر دو پایمان را روی زمین بگذاریم. مجبور بودیم آن قدر روی یک پا بایستیم تا زمانی که خوابمان ببرد، گاهی از یغلاوی غذایمان برای اجابت مزاج استفاده می کردیم، چوب کبریت لای چشممان می گذاشتند و مجبورمان می کردند ساعت ها به نور خورشید خیره شویم، قرص هایی به ما می دادند که تنها هفته ای یک بار دستشویی برویم، روی هم به صورت دو طبقه یا سه طبقه ای می خوابیدیم، مجبورمان می کردند رو به روی هم بایستیم و توی گوش هم بزنیم، اگر هم کمی شل تو گوشی می زدیم دمار از روزگارمان در می آوردند و....

اسطوره مقاومت

به این جا که می رسد اشک امانش نمی دهد. عینکش را بر می دارد، نم چشمانی را که زیر شکنجه بعثی ها کم سوشده است، می گیرد و می گوید: «پنجره ها را باز می گذاشتند تا صدای ناله های محمدتن و بدنمان را بلرزاند. این بدترین شکنجه روحی بود.» دوباره آه می کشد و ادامه می دهد: «شهید محمد رضایی، تنها فردی بود که می دانست من شاهد زنده آن ماجرا هستم. آن روز با شتاب به سراغم آمد و گفت مواظب باش، عراقی ها بو برده اند که من تورا می شناسم، ممکن است لو بروی! بعد بلافاصله او را گرفتند و آن قدر کتکش زدند که بچه ها چندین ساعت با فرچه پوست و استخوان های محمد را که به در و دیوار چسبیده بود، پاک می کردند. بعد او را در دیگ آب جوش انداختند و در دهانش صابون کردند تا خفه شد. وقتی خواستیم پیکرش را لای پتو بپیچیم گوشت و پوستش از هم وا می رفت. او اسطوره مقاومت بود و به خاطر من به شهادت رسید».

دستانمان بسته بود و سنگ می زدند

وی روایت دیگری باز گو می کند: «در آن عملیات ما می خواستیم بصره یعنی شاهرگ حیاتی عراق را بگیریم و هنگامی که عملیات لو رفت، بعثی ها از این پیروزی خیلی خوشحال بودند و می گفتند می خواستید بصره را بگیرید! ؟ بلایی سرتان می آوریم که مرغان هوا به حالتان گریه کنند! ما را دست بسته بردند بصره و بین مردم چرخاندند. آن ها سنگ می زدند و تف به صورتمان می انداختند کینه عجیبی از ما به دل داشتند».

جوان ترین اسرا

من متولد ۴۷ هستم و سال ۶۵ تازه ۱۸ سالم شده بود.

پسر دیگری به نام رجب هم بود که همسن و سال من بود و ما به عنوان کم سن ترین اسرا در اردوگاه بودیم. یک روز عراقی ها من را صدا زدند و گفتند «محمد، تعال ...تعال» و بعد عکس ما را که در روزنامه هایشان چاپ شده بود، نشان دادند، آن جا نوشته بود: «ایران بچه ها را به جنگ می فرستد».

حال و روز این روزها

سرانجام قایق خاطراتش پهلو می گیرد، اگر چه دردی مبهم هنوز سینه اش را می فشارد. دختر و پسر کوچکش در گوشه ای مشغول بازی هستند و بانوی خانه به رسم مهمان نوازی ایرانی ها حسابی سنگ تمام می گذارد و شرمنده مان می کند. لیوان آب خنکی نیز دست همسرش می دهد. گویی می داند التهاب و تالم هر روزه اش را چگونه باید آرام کند. آن ها ۲۰ سال است که این لحظه ها را با هم زندگی کرده اند. یزدیان ادامه صحبت هایش را به حال این روز هایش پیوند می زند و می گوید: «بچه هایم که می خوابند، در تنهایی خودم گریه می کنم....

سال هاست از خود می پرسد «به شط که می زدند، اشنو گل بود تا نفس بگیرند اما زیر خروار ها خاک، دست و پا بسته چه کردند ؟!» غواص آن روز ها گر چه از شنا در دریای شهادت بازمانده، اما در خاطرات تلخ سی ساله اش غرق شده است. کاش ناگفته هایش مانند چوب کبریتی زیر پلک های خواب رفته مان بماند و بیدار نگه مان دارد یا چون سیلی محکمی ما را به خود آورد.

«بازماندگان نیمه جان» دوباره منتشر می شود

محسن زاده قائم مقام نشر ستاره ها در گفت و گو با خراسان رضوی درباره انتشار کتاب «بازماندگان نیمه جان» توضیحاتی ارائه کرد و گفت: کتاب بازماندگان نیمه جان در سال ۱۳۸۵ توسط نشر زلال اندیشه با حمایت کنگره شهدا به چاپ رسید. ما بعد از این که با نویسنده کتاب جلسات متعددی داشتیم قرار بر این شد که ایشان خاطرات بیشتری از خودشان را باز گو کنند تا در قالب کتاب جدیدی به چاپ برسد. محمدرضا یزدیان همان موقع هم گفت که بسیاری از مطالبی را که او در ویرایش اولیه کتاب آورده بود، دوستان با القای این مطلب که برای مردم باور پذیر نیست، حذف کرده اند. ما در نشر ستاره ها به این جمع بندی رسیدیم که محمدرضا یزدیان سوژه خوبی برای خاطرات شفاهی است و طی جلسات متعدد و زحمت بسیار زیادی که این رزمنده کشید، هم اکنون ۵۰۰ صفحه از خاطرات خود نوشت ایشان در دست بررسی اولیه و بازبینی است. این کتاب با هماهنگی نشر زلال اندیشه می تواند با همان نام قبلی یا در صورت عدم موافقت زلال اندیشه با نام جدیدی در سال ۱۳۹۷ به چاپ برسد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۰۶۰۰۴۰۰۴۹۶۸ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم مهدی قارداشی فرزند قربان بشماره شناسنامه ۱۲۴۵ صادره از قوچان در ۶ دانگ یک باب منزل به مساحت ۵۳/۷۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۴۶۴ فرعی از ۱- اصلی بحرآباد بخش ۱۰ مشهد از محل مالکیت ابوالقاسم کاظمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهد شد. م الف ۴۳۰۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۰/۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۱۰/۲۳
محمداسماعیل ذاکری – رئیس ثبت اسناد و املاک ۹۶۲۰۰۲۸۷/م

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۰۶۰۰۱۳۰۰۲۴۱۵-۱۳۹۶/۹/۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گناباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غلامعباس اسمعیل نژاد به شناسنامه شماره ۱۵۳۹ کد ملی ۰۹۳۹۴۳۴۶۷۹ صادره مشهد فرزند حسین در ششدانگ یکباب مغازه (براپرنامه شماره ۱۵۵۹-۱۳۹۶/۸/۹ اداره محترم راه و شهرسازی گناباد با کاربری مصوب صنعتی و کارگاهی (به مساحت ۵۱/۲۷ مترمربع پلاک شماره باقیمانده ۲۱۲۳ فرعی از یک اصلی واقع در اراضی علی آباد خراسان رضوی بخش یک گناباد حوزه ثبت ملک گناباد خریداری مع الواسطه از حسین اسماعیل نژاد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۶/۹/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۶/۱۰/۷
محمدرضا اجتهادی عرب – رئیس ثبت اسناد واملاک گناباد ۹۶۱۸۸۸۹۰/ش

آگهی موضوع ماده۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۰۶۰۰۴۰۰۴۹۴۳ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم طیبه فیاض فرزند حجی محمد به شماره شناسنامه ۲۴۸۵ صادره از گلمکان در ۶ دانگ یک باب منزل به مساحت ۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۲- اصلی واقع درمهدی آباد بخش ۱۰ مشهد از محل مالکیت علی قاسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهد شد. م الف ۴۲۵۷-
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۰/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۱۰/۲۳
محمداسماعیل ذاکری – رئیس ثبت اسناد و املاک ۹۶۱۹۹۳۹۳/م

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای اصلاحی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۰۶۰۰۴۰۰۴۱۳۶ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد علی نظامی فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۹۹ صادره از اسفراین در ۶ دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۴۸۳/۱۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۲۶- اصلی طوس علیا بخش ۱۰ مشهد از محل مالکیت محمد سرباز محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهد شد. م الف ۴۳۰۳
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۰/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۱۰/۲۳
محمداسماعیل ذاکری – رئیس ثبت اسناد و املاک ۹۶۲۰۰۳۰۲/م

آگهی تحدید حدود اختصاصی (حوزه ثبتی سبزوار)
پیرو آگهی تحدید حدود قبلی که به موجب مقررات ماده ۱۴ قانون ثبت منتشر گردیده اینک بر حسب درخواست واصله مستند به ماده مذکور وماده ۶۱ آیین نامه قانون ثبت تحدید حدود یک قسمت از املاک واقع در بخش ۳ سبزوار حوزه ثبتی این واحد به شرح ذیل می باشد: بخش ۳ سبزوار- پلاک ۱۶۲- اصلی- اراضی ایزی. ۵۴۳۵ فرعی از ۱۲۶۷ فرعی- ششدانگ یکباب ساختمان- رمضانعلی باغچری فرزند محمد. تاریخ تحدید: شنبه ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ ساعت ۸ صبح انجام خواهدشد. لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک به صاحبان املاک ومجاورین شماره های فوق الذکر بوسیله این آگهی اخطار میگردد که در روز وساعت مقرر بالا در محل حضور به هم رسانید. چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشد مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد واعتراضات مجاورین نسبت به حدود وحقوق ارتفاقی ونیز صاحبان املاک که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا ۳۰ روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد ودراجرای تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی معترضین میبایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مدت یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم وگواهی لازم از مراجع مذکور اخذ وبه این اداره تسلیم نمایند.
تاریخ انتشار: پنجشنبه ۱۳۹۶/۱۰/۷
امید خیرخواه- رئیس ثبت اسناد واملاک سبزوار ۹۶۲۰۱۰۴۷/ش

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۰۶۰۰۴۰۰۴۸۸۲ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی اقای محمد جواد طلوع قصابیان فرزند علی اصغر به شماره شناسنامه ۳۹۶ صادره از مشهد در ۶ دانگ یک باب منزل به مساحت ۱۴۶/۹۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۵۶۷۶ فرعی از ۴- اصلی اراضی آبکوه بخش ۹ مشهد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهد شد. م الف ۴۲۹۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۰/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۱۰/۲۳
محمداسماعیل ذاکری – رئیس ثبت اسناد و املاک ۹۶۲۰۰۲۷۱/م

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۰۶۰۰۱۳۰۰۲۴۸۰-۱۳۹۶/۹/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گناباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید محمد علی غفاری به شناسنامه شماره ۵۹۱ کد ملی ۰۶۵۱۷۴۳۶۷۲ صادره بیرجند فرزند سید خلیل در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۱۳۲/۹۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۰۴۳ فرعی از یک اصلی واقع در اراضی علی آباد بخش یک حوزه ثبت ملک گناباد خریداری مع الواسطه از شوکت احسانی کاخکی (مساحت ۱۰۰۰ مترمربع) و معصومه دختر کربلایی محمد (مساحت ۱۳۲/۹۰ مترمربع) محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض داد خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۱۰/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۶/۱۰/۲۳ ۹۶۲۰۱۱۳۵/ش
محمد رضا اجتهادی عرب – رئیس ثبت اسناد و املاک گناباد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۰۶۰۰۴۰۰۴۹۴۵ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم کاظم جهان دوست ایکوه فرزند قنبر بشماره شناسنامه ۴۴۸ صادره از مشهد در ۶ دانگ یک باب منزل به مساحت ۸۳/۱۱ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۱۶۵ فرعی از ۱- اصلی بحرآباد بخش ۱۰ مشهد از محل مالکیت ابوالقاسم حبیب الهی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهد شد.
م الف ۴۲۹۰-
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۰/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۱۰/۲۳
محمداسماعیل ذاکری – رئیس ثبت اسناد و املاک ۹۶۲۰۰۲۲۶/م

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۰۶۰۰۴۰۰۵۰۰۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / حمیدرضا طبسی فرزند سیدحسن بشماره شناسنامه ۳۲۰۰ صادره از مشهد در ۶ دانگ یک باب منزل به مساحت ۱۰۴/۸۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۵۴ فرعی از ۱۸۶- اصلی واقع در چهارچشمه بخش ۱۰ مشهد از محل مالکیت محمد رضا ناصری آبکوه محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهد شد. م الف ۴۲۹۹
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۱۰/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۱۰/۲۳
محمداسماعیل ذاکری – رئیس ثبت اسناد و املاک ۹۶۲۰۰۲۸۱/م

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۳۵۶۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رسول احیائی فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۱۱۶۸ صادره از نیشابور در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۶۸/۱۷ مترمربع پلاک شماره ۶۴ فرعی از ۹ اصلی واقع در اراضی گذر ده کلاغ بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای غلامرضا احیائی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۶/۹/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۶/۱۰/۷
علی امینی – رئیس ثبت اسناد و املاک نیشابور ۹۶۱۸۹۶۵۶/ش

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۰۶۰۰۱۳۰۰۲۴۸۰-۱۳۹۶/۹/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گناباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سید محمد علی